

روش های نهادینه سازی عفاف در کودکان

زینب زاهری*، عادل دریا^۲، فرامرز زاهری^۳، پیمان مرتضی زاده^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی

*zinabzaheri65@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی

Bandar53@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی

Faramarz.zaherii@gmail.com

۴- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی

Seyyd.peyman@gmail.com

چکیده

بسیاری از مسائل و موارد را نمی توان یک روزه به افراد آموزش داد و آنان را متقاعد به انجام آن کرد. این گونه از رفتارها را باید از کودکی و زمان طفولیت که فرزند حکم یک نهال تازه را دارد در آنان نهادینه کرد تا با همان سبک و سو رشد کنند و همچون درختی تنومند شوند. حال آنکه یکی از مهمترین مسائلی که در زندگی افراد مطرح می شود، مساله عفاف و حجاب است. به عبارت دیگر ما در این مقاله به بررسی نهادینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب در کودکان و روش های آن می پردازیم. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کتابخانه ای می باشد که با بهره گیری از منابع و کتب معتبر و مرتبط انجام گرفت. در نهایت اینکه پس از بیان روش های این امر و اهمیت آن دریافتیم که آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است، بسیاری از شرارت ها که دختران و زنان جامعه می بینند، از نداشتن حجاب و عفاف آغاز می شود. درونی کردن این ارزش بین دختران و زنان از کودکی باعث می شود آنان در برابر این انحراف ها، مقاومت بیشتری داشته باشند.

واژگان کلیدی: عفاف، نهادینه سازی، کودکی، حجاب.

۱- مقدمه

از روش های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای پسندیده کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی حجاب و عفاف می باشد. تشویق در روح فرد اثر می گذارد و او را به انجام رفتار نیک برمی انگیزد. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام کاری، دوام و قوام آن کار را بیشتر خواهد کرد. بنابراین، بصیرت بخشی روش مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان است. با روش قصه گوئی می توان در روح کودک نفوذ کرد و با بیان قصه های آموزنده و جذاب، کودکان را با شخصیت های قصه همانند ساخت. تربیت دینی فرزند، ضروری است و کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را وظیفه خویش نمی دانند و بیشتر زمان خود را به امور روزمره می پردازند، باید منتظر پیامدهای این بی توجهی باشند. می توان یکی از دلایل مهم آسیب های فردی و اجتماعی آینده افراد را بی توجهی و غفلت در تربیت دینی در دوره کودکی و نوجوانی دانست (امینی، ۱۳۷۵).

کودکی را که در معرض خطر اخلاقی قرار دارد باید در ردیف انحرافات جوانی قرار داد؛ زیرا اگر از آن جلوگیری نشود سقوط در تبهکاری او فراهم می شود. شهید مطهری (ره) به نقل از مولوی در این مورد که هر چه انسان بزرگتر می شود، صفات او قوی تر و ریشه دارتر می گردد، می گوید: مردی خاری در معبر کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد که سال دیگر آن را بکنند. سال بعد کار را به سال بعد واگذار و سال های بعد نیز به همین گونه عمل کرد. درخت سال به

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

سال ریشه دارتر و خارکن ضعیف‌تر می‌شد. میان رشد درخت و توان خارکن نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان نیز مانند خاربن و خارکن است؛ صفات، روز به روز در انسان ریشه‌دارتر می‌شود و اراده انسان را ضعیف‌تر می‌کند. بنابراین قدرت جوان در اصلاح نفس خود، از پیر بیشتر است. از عوامل مؤثر در تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان شناخت شیوه‌های مؤثر در حفظ و نهادینه کردن حجاب و عفاف در آنها می‌باشد. اگر این شناخت حاصل شد تربیت و پرورش و رشد کودکان و نوجوانان بهتر، راحت‌تر و صحیح‌تر انجام می‌گیرد. کودکان و نوجوانان به دلیل جدید العهد بودن و پاک بودن فطرتشان قابلیت تربیتشان بیشتر است و لذا تربیت باید از اول کودکی باشد و خانواده با برنامه به تربیت این امانات الهی بپردازد. انس دهی کودکان و نوجوانان با ارزش‌های اخلاقی از جمله: فریضه حجاب و عفاف، تکرار با برنامه، نمایش الگویی و عملی والدین و اعضاء خانواده، تشویق و ترغیب و عادت دهی مطلوب کودکان و نوجوانان به انجام ارزش‌ها و فرایض موجب نهادینه شدن ارزش‌ها و فرائض الهی نفوس و وجود آنها می‌گردد و به عبارتی دیگر ارزشها آگاهانه و عالمانه درونی می‌گردد و عمق می‌یابد و سطحی و زودگذر نخواهد بود. اگر این کار صورت گیرد آنها به مراتب عالی‌تر خواهند رسید. عفاف، به معنی خودداری از کار زشت و ناروا؛ پاکدامنی؛ پرهیزکاری؛ پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه‌ی شهوت بازدارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش و عفت در کردار - به ویژه زنان - اشاره می‌کند و تأکید می‌فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیر ضروری و بی‌هوده پرهیز شود. شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام‌گریزی وی نشأت می‌گیرد. عفاف در همه اوصاف چه در پوشش و چه گفتاری و کرداری و رفتاری به همه مردان و زنان جامعه ضروری است (بهشتی، ۱۳۷۹).

۱- بیان مساله

در تمام آموزه‌های ما، چه دینی و چه غیر دینی، تأکید شده که مسائل مهم زندگی را از کودکی به فرزندان خود بیاموزید تا این مسائل در آنان نهادینه شود و به شکل یک گیاه در عمق وجود و ذهن آنان ریشه دواند. یکی از مهمترین این مسائل مساله عفت می‌باشد. چراکه در صورت عدم وجود عفاف در بین افراد یک جامعه، آن جامعه دچار گمراهی و تباهی خواهد شد. حال آنکه ما در این مقاله به دنبال بررسی مساله نهادینه سازی عفاف در بین کودکان هستیم و روش‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲- یافته‌ها

اگر محور تربیت، عمق‌بخشی دیانت و تقوای دینی در کودکان و نوجوانان باشد، فرزندان نیز از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند و درونی شدن ارزش‌های دینی، به ویژه حجاب باعث می‌شود آنان در برابر این کژی‌ها مقاومت بیشتری داشته باشند و کمتر در دام بیفتند. روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست به اجرا درآید. برای موفقیت در هر کاری، آگاهی از اسباب و وسایلی که بتواند سریع و آسان ما را در رسیدن به هدف یاری کند، لازم است. حضرت علی سفارش می‌کند که ای مردم، آن کس که راه آشکار پیماید، به آب درآید و آن کس که بیراهه را در پیش گیرد، در بیابان بی‌نشان می‌افتد. بنابراین، هر علمی شیوه و روش ویژه خود را دارد که اگر درست استفاده شود، نتایج مطلوبی خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است و مربیان و والدین می‌توانند با شناسایی بهترین شیوه‌ها و روش‌ها، در رسیدن به اهدافشان از روش درست بهره ببرند. کمال مطلق و انزجار از نقص را در وجود انسان قرار داده و هر انسانی به صورت فطری متمایل به کامل

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

تر شدن و پیشرفت است. تشویق باعث می‌شود کودک یا نوجوان از کار خود احساس لذت و از خود احساس رضایت کند، نتیجه این چرخه، تکرار رفتار است. تشویق، موجب پیدایش نشاط و رفع کسالت در فرد می‌گردد و وقتی این حالت ایجاد شد، اشتیاقش برانگیخته شده و زمینه رشد و کمال او فراهم می‌گردد. خانواده نقش اساسی در تربیت اخلاقی و سلامت روحی و روانی کودک و نوجوان دارد. خانواده در مقام مربی باید سعی کند تا در کودک فضائل اخلاقی به ملکات اخلاقی مبدل گردد. ضمیر کودکان و نوجوانان همچون لوح سفیدی قابل قبول هر تربیتی است، که هر چیزی به صفحه ذهن و فکر آنها نقش ببندد، می‌پذیرند. تربیت دینی فرزندان یک ضرورت است (احمدی، ۱۳۸۰). کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را از وظائف خویش به حساب نمی‌آورند، عواقب این بی‌توجهی به صورت آسیب‌های روحی، روانی و جسمی و جنسی در فرزندان آنها پدیدار می‌گردد. عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان، آنان را از اینگونه لطمه‌ها و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌دارد. دوران کودکی و نوجوانی به جهت نقش مهمی که در سرنوشت آینده انسان ایفا می‌کند، فرصت بی‌نظیری که نباید آن را از دست داد. این دوران بهترین زمان برای تربیت دینی و پایه‌گذاری زندگی سالم و سعادت‌مندانانه و یاد دادن و تعمق بخشیدن به اصول و عقاید مذهبی کودکان و نوجوانان است. چرا که شالوده شخصیت انسان در همین دوران شکل می‌گیرد. تربیت دینی کودکان و نوجوانان از جمله نهادینه نمودن فرضیه حجاب و عفاف بایستی در دوران قبل از دبستان و از طریق ایجاد انس نسبت به مسائل و ارزش‌های دینی تحقیق یابد (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان، تشویق است. تشویق، شیوه‌های مناسب برای انگیزش به سوی کارهای مثبت می‌باشد و کودک و نوجوان را به انجام رفتار نیک تحریض و ترغیب می‌کند. امیرالمؤمنین علی درباره نقش پاداش و کیفر در تربیت آدمی می‌فرماید: "خدای سبحان، پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد" (مطهری، ۱۳۷۵). مقصود از تشویق، پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی) است که آن را به صورت ابراز مهرورزی، واگذاری مسئولیت مناسب به کودک، دادن و... می‌توان نشان داد. تنبیه، نقطه مقابل تشویق است. مقصود از تنبیه پاسخ منفی به رفتار نامطلوب متربی است که با نگاه سرد به کودک هنگام عمل منفی، روی برگرداندن از او، بی‌اعتنایی به کودک هنگام انجام عمل نامطلوب، تغییر چهره، محروم کردن کودک از چیزهایی که دوست دارد، جریمه کردن و... می‌توان آن را ابراز کرد. ابن‌سینا، فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلام، تشویق را ضمانت اجرای تعلیم و تربیت و مصادیق تشویق و تنبیه را متنوع و متعدد می‌داند. وی معتقد است که واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند متربی باید متناسب و تدریجی باشد؛ ابتدا روگردانی، سپس ترش رویی، پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد. برای برانگیختن کودکان و نوجوانان به سوی حجاب، بهتر است روش اصلی، تشویق باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت اسلامی بر سهولت، محبت و ملاحظت تأکید دارد و از سوی دیگر، با تشویق می‌توان انگیزه و میل کودک به مهر و محبت و قدردانی را تأمین و اعتماد او را جلب کرد. اگر تشویق، مؤثر نباشد و خطا و تخلفی از متربی سر بزند، برای آگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام امور دینی، می‌توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه روی آورد. منظور از تنبیه در اینجا تنبیه بدنی نیست؛ بلکه استفاده از روش‌هایی است که کودک را از انجام کارهای نامطلوب (مثل نماز نخواندن) ناخشنود کند؛ بی‌توجهی، قهر کوتاه مدت، سرزنش، محروم سازی و امثال آن از شیوه‌های تنبیهی است که بهتر است جایگزین تنبیه شود (بهشتی، ۱۳۷۹).

برای جلوگیری از زیان‌ها و خطرات تنبیه که ممکن است برای کودک داشته باشد، رعایت این نکات اهمیت دارد:

۱. باید عمل (مثلاً حجاب و عفاف) را تحسین کرد، نه کودک را؛ یعنی باید او را متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است، عمل و صفت اوست.

۲. تشویق باید به جا و به موقع و متناسب با نوع رفتار باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن (زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و...) در نظر گرفته شود.

۳. تشویق باید باعث ترغیب دیگران شود، نه موجب دل‌سردی آنان.

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدرسه تخصصی آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

۴. تشویق باید به اندازه و معقول باشد و از حد تجاوز نکند؛ زیرا در این صورت موجب غرور شخص می شود، کمتر از اندازه نیز نباید باشد؛ زیرا نتیجه مطلوب خود را از دست می دهد.

۵. تشویق وسیله ایجاد انگیزه است. بنابراین، نباید به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول سازد؛ زیرا در این صورت، نقش بازنده پیدا می کند (علاءالدین، ۱۳۸۹).

هنگام تشویق باید علت آن را به کودک بگویید و این عمل باید به گونه‌ای باشد که او خود را مستحق آن ببیند و آن را در درون تأیید کند. تشویق در جمع اثر بیشتری دارد. در مورد تنبیه نیز باید به نکات مهمی توجه نمود که رعایت آنها در ترغیب کودکان و نوجوانان برای حفظ حجاب موثر است؛ این نکات عبارتند از:

۱. تنبیه، از آخرین گزینه‌های تربیت است. بنابراین، بهتر این است که پس از سایر روش های تربیتی به کار گرفته شود. باید هدف تنبیه، تربیت فرزند باشد نه تخلیه روانی مربی یا والدین.

۲. تنبیه کردن به صورت احمق، قهر کوتاه مدت و یا گرفتن امکانات (به صورت منطقی) باشد و از تنبیه بدنی خودداری شود.

۳. تنبیه باید به گونه ای باشد که کودک به اشتباه خود پی ببرد، نه اینکه باعث به وجود آمدن عقده‌های درونی در آنان شود.

۴. تنبیه نباید باعث سرخوردگی کودک شود (پیاژه و سیمون، ۱۳۹۶).

یکی از شیوه های مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف، روش الگویی است. در این روش، فرد از افراد دیگر سرمشق و الگو می گیرد و از رفتار آنان پیروی و خود را با آنان همساز می کند. بنابراین، می توان گفت: الگو پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه های گوناگون، برای رسیدن به کمال است. داشتن الگوهای رفتاری و گفتاری برای کودکان و نوجوانان ضروری و مهم است؛ به گونه‌ای که نداشتن الگو مایه گمراهی و سردرگمی آنان می شود. به طور طبیعی تربیت ابتدایی انسان با روش الگویی شکل می گیرد، کودک در چند سال نخست زندگی، همه کارهایش را از اطرافیان که در درجه اول، پدر و مادر اویند، الگوبرداری می کند، با تقلید از آنان رشد می کند و ساختار تربیتی اش سامان می یابد. از این رو، روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک، نقش زیادی دارد. گزینه تقلید، از غرایز نیرومند و ریشه دار انسان است، به دلیل وجود همین گزینه کودک بسیاری از آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی مثل غذا خوردن، لباس پوشیدن، سخن گفتن، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر اطرافیان فرا می گیرد و به کار می بندد. چشم و گوش کودک چون دریچه‌ای باز است؛ می بیند و می شنود و ذهنش مانند آینه‌ای است که رفتار والدین را تقلید می کند. الگوهای عملی خانواده، مانند پوشش و حجاب پدر و مادر تأثیر ژرفی بر رفتار کودک دارد. در واقع پدر و مادر با اعمال و رفتار مناسب و به شکل غیرکلامی، ارزش‌ها و هنجارها را از ابتدا در شخصیت کودک ایجاد می کنند. شناسایی و پیدا کردن راهکارها، شیوه‌ها و مهارت های مؤثر در آموزش، تبیین، الگوسازی و نهادینه نمودن ارزشها و فرائض دینی موجب می گردد تا با بهره گیری صحیح و با برنامه بتوانیم از آن شیوه‌ها و روش‌ها بهره جسته و با زمینه سازی، فضا سازی، جهت بخشی و الگو دهی و با استمداد از عناصری همچون محبت، تشویق و تذکر به نهادینه نمودن یا درونی نمودن و عمق بخشی به ارزشها و فرائض دینی اقدام نمود. تربیت دینی بدون بهره گیری از شیوه‌ها و روشها و مهارت‌ها و بدون برنامه و صبر راه به جایی نخواهد برد و نتیجه مطلوبی عائد نخواهد شد. والدین باید با روش‌ها و شیوه‌های عملی و اجرایی تربیت آشنا باشند تا از میان آنها شیوه‌هایی را که با شرایط ویژه فرزندان سازگار است برگزینند و در تربیت فرزند خویش از آن بهره گیرند؛ مانند روش‌های اسوه سازی، مهرورزی، تشویق، تنبیه، انتقاد، تغافل و... در تربیت عواملی نقش گذار هستند که عبارتند از وراثت، محیط و معاشران و دوستان که اگر این سه عامل از روحیه ی دینداری و تقید به ارزشها و فرائض الهی برخوردار باشند، تربیت دینی کودکان و نوجوانان از جمله در فریضه حجاب و عفاف نتیجه خواهد بود و اگر این سه عامل نامطلوب باشند تربیت دینی به معنای واقعی محقق نخواهد شد (شریعتمداری، ۱۳۷۶).

کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو می پذیرد و از دیده‌ها و شنیده‌های خود تأثیر می گیرد، تأثیرپذیری از والدین

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

بیش از همه اهمیت دارد که این تأثیرپذیری تا نوجوانی نیز تداوم دارد. بر این اساس، وظیفه پدر و مادر در این دوران بسیار سنگین است و باید به فرزندان فرصت بدهند تا از اخلاق و رفتار خوب آنان الگو بگیرند. اگر سخن ناروا خوب نیست، نباید در حضور فرزندان این گونه سخنان گفته شود، اگر از آنان انتظار کار خوب دارند، باید در کارهای نیک پیش قدم باشند و اگر می‌خواهند فرزندان نماز اول وقت بخوانند، خود باید چنین کنند. والدین باید به گونه‌ای عمل کنند که فرزندان به آنان دید مثبت داشته باشند. بنابراین، اولیا و مربیان همواره این نکته را در نظر داشته باشند که با رفتار و گفتار درست خود می‌توانند الگوی شایسته‌ای برای متربیان باشند و از این راه، متربیان را به پیروی از رفتار مطلوب خود بخوانند (امینی، ۱۳۷۵).

در قرآن کریم نیز استفاده از الگو و اسوه، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است. قرآن، نمونه‌های زیادی را بیان کرده که نمایانگر تأثیر فراوان این روش در یادگیری و شکل‌گیری شخصیت انسان هاست. برای مثال، در داستان قابیل نقل می‌کند که برادرش هابیل را کشت، و نمی‌دانست با جسد برادر چه کند؟ خداوند کلاغی را فرستاد که مشغول کندن زمین شود و کلاغ مرده را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه برادر را زیر زمین پنهان سازد. خداوند در قرآن به روشنی، رسول گرامی اسلام را الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند (احمدی، ۱۳۸۰).

آری پیامبر اسلام الگویی شایسته برای اصحاب بود و چگونگی عبادت‌ها را از این روش به آنها می‌آموخت. از ابی‌حازم روایت شده است که روزی پیامبر بر روی منبر نماز می‌خواند. وقتی نمازش تمام شد، رو به مردم کرد و فرمود: "ای مردم، من این کار را بدین خاطر انجام دادم که شما از من پیروی کنید و کیفیت خواندن نماز را از من یاد بگیرید." در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده میشود و ارتباط اشیا و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور و شناخت جایگاه هر چیز در نظام هستی، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل میشود. حق به عنوان زیباترین و پسندیده‌ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آنها فراتر از زمانها و مکانها و اشخاص و ادیان است. در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان میدهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی میکند. برخی از اندیشه‌گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حقالل است لذا حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حقالل مطرح است و کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن میگوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم میشود عصمت زن حقالل است. پر واضح است که آدمی نمیتواند حقوق الهی را کامل ادا کند ولی با انجام برخی کارها میتواند رضایت الهی را به دست آورد. حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است (بهشتی، ۱۳۷۹).

با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیتی بس سنگین نیز متوجه آنهاست. والدین و مربیان زمانی می‌توانند از روش الگویی استفاده کنند و نتیجه بگیرند که این موارد را رعایت کنند:

۱. والدین پیش از توصیه به ارزش‌های دینی، باید خود در این کار پیشتاز باشند.
۲. مربیان و والدین تلاش کنند به صورت عملی و رفتاری، کودکان را به مسایل دینی دعوت کنند. والدین می‌توانند با ابتکار عمل از الگوهای غیرجاندار برای کودکان و نوجوانان، الگوهای هدفمند و معنادار بسازند. برای مثال، وقتی برای کودک خود عروسک می‌خرند، چادر یا مانتو زیبا و جذابی هم برای عروسک بخرند.
۳. والدین همواره باید مراقب باشند که گفتار و رفتار دوگانه نداشته باشند.
۴. اشتیاق مربیان و والدین در انجام مسایل دینی باید نسبت به کودکان و نوجوانان بیشتر باشد.
۵. با توجه به اینکه محیط‌ها و گروه‌های هم سن تأثیر زیادی بر یکدیگر می‌گذارند؛ بهتر است والدین و مربیان با آگاهی از نگرش این گروه‌ها، آمادگی ذهنی و رفتاری متربی را تقویت نمایند (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

یکی از ابزارهای تربیتی که می‌تواند ما را در نهادینه کردن عفاف و حجاب در فرزندان یاری کند، محبت است که اثر آن بر روی

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

فرد تربیت شونده عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت، والدین می‌توانند نظریات تربیتی خود را به فرزند القا کنند و تغییر رفتار را در آنان مشاهده نمایند. در دین اسلام، محبت اساس و رکن جذب و هدایت است. ادیان الهی از محبت، به دل‌ها رسوخ کرده و راسخ می‌مانند. از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های پیامبر اکرم استفاده از این روش بوده است؛ زیرا با این روش، هم برای افراد جاذبه ایجاد می‌کرد و هم انگیزه آنها را افزایش می‌داد. اگر پیامبر اکرم این روش را پی نمی‌گرفت، اعراب باده نشین به‌گردش جمع نمی‌شدند تا به تربیت و فرهنگ دین پناه آورند. حضرت علی درباره اهمیت و تأثیر این روش می‌فرماید: "دوستی ورزیدن، نیمی از خرد است" و در جای دیگر می‌فرماید: "دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم می‌آورد". نیروی محبت از نظر تربیتی، نیروی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت، آن است که بدین روش تحقق یابد؛ زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش، درونی و بدون هیچ تحمیلی است. ضرورت و اهمیت به کارگیری روش محبت از این‌روست که محبت، اطاعت‌آور است و سبب همسانی و همراهی فرزند با والدین و مربی می‌شود. میان محبت و اطاعت رابطه‌ای قوی وجود دارد؛ با ظهور محبت هم‌رنگی و اطاعت پیدا می‌شود. محبت هر کسی که در دل آدمی بنشیند، مطیع و پیرو او می‌شود و از خواست او سرپیچی نمی‌کند. احسان و اظهار دوستی، می‌تواند بشر را تا مرز بندگی پیش ببرد و این نتیجه طبیعی محبت‌ورزی نسبت به انسانی است که فطرت بشری خویش را از دست نداده باشد (امینی، ۱۳۷۵).

اگر والدین و مربیان بین کودکان و نوجوانان رابطه‌ای همراه با مهر و محبت برقرار کنند، بین خود و کودک، حوزه‌های عاطفی ایجاد خواهند کرد که توجه کودک جلب می‌شود. در این هنگام در برابر دستورها و راهنمایی‌ها پاسخ‌های مثبتی از خود نشان می‌دهد و در صورت دوام این رابطه آموزه‌های دینی (حجاب و عفاف) در کودک و نوجوان به صورت ارزش درمی‌آید و در او نهادینه می‌شود. سعدی معتقد است تأثیر محبت و مهرورزی و احسان، معجزه آسا است، به گونه‌ای که افزون بر انسان، بر حیوانات نیز تأثیر گذار است. احساسات عاطفی و اخلاقی از اصول مهمی است که باید بین کودک و پدر و مادر یا بزرگ سال وجود داشته باشد؛ زیرا هریک نقش مهمی در سازندگی شخصیت کودک دارند و اگر این اصول بر پایه درستی در محیط خانواده استوار نباشد، بدون تردید ناهنجاری در رفتار و اخلاق کودک بوجود می‌آید. بر این اساس، می‌توان گفت نگرش مثبت فرزندان به مذهب و امور دینی، ریشه در مهرورزی و محبت والدین دارد. آنان می‌توانند محیط آکنده از مهر و محبت برپا کنند و در ذهن کودک تجربه خوشایندی از عفاف و حجاب ایجاد نمایند. محبت‌ورزی نیز شرایطی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(الف) محبت به کودک باید راستین باشد.

(ب) محبت را باید از دل به زبان آورد تا فرزند آن را لمس کند. ممکن است پدر و مادری فرزند خود را دوست داشته باشند، ولی اظهار نکنند. این محبت تأثیر چندانی ندارد.

(ج) محبت به فرزندان باید یکسان و عادلانه باشد.

(د) محبت نباید مانع امر و نهی گردد.

(ه) محبت به کودک باید معقول و به اندازه صورت گیرد (عطاران، ۱۳۷۹).

بصیرت یعنی، قوه‌ای در قلب، نورانی به نور قدسی است که به واسطه آن حقایق و باطن را می‌بیند؛ همان‌طوری که چشم، صورت اشیا را می‌بیند. در مکتب تربیتی اسلام برای بهره‌گیری بیشتر از دین و حاکم ساختن آن بر حیات عادی و مبارزه با دیانت تقلیدی و تهید و تعدیل آن، پیش از هر کاری، همگان به اندیشیدن در مفاهیم و مبادی دین و کشف حقانیت دین الهی از میان ادیان سنتی و موروثی دعوت می‌شوند، تا از تقلید و متابعت کورکورانه از آبا و اجداد بپرهیزند. معرفت و بصیرت نوعی آگاهی ژرف و گسترده است که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر می‌باشد. انسان، بدون بصیرت و آگاهی نمی‌تواند تکالیف الهی را بشناسد تا به انجام آنها تن در دهد و به هدف حیات خویش برسد. در روایات، بصیر به کسی گفته می‌شود که پس از شنیدن سخن به تفکر می‌پردازد و پس از مشاهده امور درباره آنها م‌اندیشد. او از پندهایی که در حوادث است، عبرت می‌گیرد و تلاش می‌کند در راهی که نشانه‌های روشنی دارد، سیر کند؛ در اثر درک و بینش درونی، حالتی برای

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدرسه آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

او ایجاد می‌شود که از افتادن در مهالک پرهیز می‌کند. سوق دادن به سوی نور و روشن نمودن دل انسان‌ها که وظیفه پیامبران الهی بوده است، بر مبنای بصیرت صورت می‌گرفت؛ زیرا در شناختی که بر مبنای بصیرت و آگاهی و اندیشه حاصل شده باشد، انحراف و کج روی نیست. در مسئله حجاب نیز باید شناختی صحیح از انسان، زن و فلسفه عفاف و حجاب داشت؛ زیرا هنگامی که فرد از فلسفه و سود و زیان موضوعی آگاه شود، با قدرت تشخیص خود خیر و صلاح خویش را انتخاب می‌کند، همان طور که خداوند با فرستادن انبیا به آموزش و افزایش شعور و آگاهی انسان پرداخته است (عطاران، ۱۳۷۹). اساسی ترین مرحله در نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف، آموزش کودکان و نوجوانان است. اگر والدین بخواهند عفاف، این مایه آرامش و زیبایی زندگی آینده کودکان و نوجوانان، در وجود آنان نهادینه شود، باید به کودکان مزایا و فواید عفاف و پاک دامنی را بیاموزند و چرایی این کار را به زبان ساده برایشان تبیین کنند. اگر پدر و مادر به شیوه‌های صحیح، دگرگونی درونی در کودک ایجاد کنند، تغییر رفتار و ترغیب او به حفظ حجاب را خواهند دید. محقق و فاضل نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار، غیراخلاقی و غیردینی را از بصیرت و نداشتن بینش صحیح متربی در مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و نیز نداشتن شناخت وافی در رفتار و انگیزه‌ها و آثار و عوارض آنها می‌دانند و معتقدند با دادن بینش و شناخت درست، می‌توان متربی را تربیت کرد و اخلاق وی را اصلاح نمود و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت، و سرنوشتی ناخواسته پیشگیری کرد. این دو دانشمند برای تحقق بینش در متربی سفارش می‌کنند که مری کارهای ذیل را انجام دهد:

(الف) متربی را از آیات و احادیث در ستایش یا نکوهش صفات و رفتارهای مورد تعلیم و تربیت آگاه سازد و آثار و عوارض آنها را که در قرآن و کلام معصومان آمده است، به وی آموزش دهند و از وی بخواهند درباره آنها بیاندیشد.
(ب) شناخت کافی از فضیلت و ردیلت به او بدهد و زیبایی و زشتی صفت یا رفتار را بیان نماید تا متربی، به تشخیص درست از نادرست و اخلاق و رفتار نیک از اخلاق و رفتار ناپسند برسد و زیبایی یا زشتی رفتار را بیابد.
(ج) ارتباط عینی بین کمال، شرافت و رفتار مطلوب با قوت و عزت نفس را برای متربی آشکارا بیان کند و رابطه نقصان، بیماری‌های روانی و صفات و رفتارهای ضدارزشی را با ضعف و ذلت نفس بگوید. در یکی از تحقیقات، از میان پانصد نفر بانوی کم‌حجاب، اظهارات ۸۰٪ آنان نشان داد که بی‌اطلاعی از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی ترین عامل کم‌حجابی ایشان است. هرچند انگیزه‌های دیگری نیز در رفتار آنان تأثیر داشته است.
(د) از علل و اسباب بروز صفت یا رفتاری که ناخواسته از متربی صادر شده، پرده بردارد تا او به درک درستی از آنچه انجام داده، برسد و در آینده از چنین رفتارهای ناخواسته‌ای پیشگیری کند. برخی دختران بی تفاوت به حجاب، از خانواده‌های مذهبی‌اند که مادران در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند. در نظرخواهی از این مادران، آنها گفته‌اند که با وجود اعتقاد به خوبی حجاب، نتوانسته‌اند دلایل قانع‌کننده‌ای برای فرزندانشان بیاورند.
(ه) شناخت درستی از عظمت، عزت، قدرت، محبت، رضایت، خشم، عدالت و رحمت خداوند و قضا و قدر به کودک بدهد تا با بینش صحیح، راه بندگی و صراط مستقیم را برای رسیدن به هدف عالی تربیت بی‌پیماید (احمدی، ۱۳۸۰).

آثار بینش:

۱. بینش، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها به عمق و باطن آنها می‌برد؛
 ۲. بصیرت و بینش موجب تعادل و ثبات روح فرزندان می‌شود تا در رویارویی با حوادث و عوامل تهدیدکننده، معنویت، کمتر آسیب ببیند؛
 ۳. بینش درست، مشکلات و سختی‌ها را آسان جلوه می‌دهد (طاهرپور، ۱۳۸۹).
- یکی از ابزار تعلیم و تربیت، داستان است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که داستان و قصه، وسیله‌ای رایج و عمومی در بین همه اقوام و ملل بوده است و در هر دوره، نقلانی حرفه‌ای در مجامع عمومی، قصه می‌گفته‌اند. یونانیان قدیم فرزندان خود را از کوچکی به حفظ داستان‌های ایلید و ادیسه وادار می‌کردند. بسیاری از ادیبان، نویسندگان، فیلسوفان و عالمان اخلاق که به

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

قدرت قصه آگاه بوده اند، باورهای خود را در این قالب بیان کرده اند. بوعلی‌سینا در قصه حی بن یقضان بسیاری از مضامین بلند عرفانی را آورده است و غزالی فراوان در کتاب کیمیای سعادت از حکایت و تمثیل بهره جسته است. آیات قرآن نشان می‌دهد که اهداف قصه‌های قرآن در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

الف) تربیت و آموزش از طریق القاء غیرمستقیم

ب) عبرت و اندیشیدن

ج) بیان حقایق و احیای تفکر دینی صحیح بر مبنای زدودن خرافات

د) شاهد صدق نبوت و ایجاد زمینه گسترش دعوت

ه) آرامش خاطر پیامبر و امیدآفرینی در دل‌های مؤمنین با نوید موفقیت (امینی، ۱۳۷۵).

قصه غیرمستقیم در ژرفای روح کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد. داستان‌نویس و قصه‌گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، روح خواننده و شنونده را همراه خویش تا عمق تاریخ می‌برد و الگوهایی را نشان می‌دهد تا از گفتار و رفتارشان سرمشق بگیرد و پیروی کند. تأثیرگذاری قصه و داستان، غیرمستقیم و نادیدنی است؛ به طور غیرمستقیم راه را نشان می‌دهد. شنیدن قصه از کارهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند و خود را در اختیار قصه گو قرار می‌دهند و تأثیر لازم را از او می‌پذیرند. قصه، نه فقط پیام‌های مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر جذاب و مناسب، طراحی و بیان شود، کودک و نوجوان می‌کوشد خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازد. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مربوط به امام‌زمان (عج) و یاورانش، زمینه رشد شناخت کودک را فراهم سازند، با قصه‌های آموزنده و جذاب به ساخت الگوی معنوی آنان بپردازند و زمینه علاقه و انگیزه آنان را در انجام مسایل معنوی فراهم آورند. در این صورت، نوعی اشتیاق در او ایجاد می‌شود و در نتیجه کودک و نوجوان از انجام اعمال دینی احساس رضایت می‌کند که این رضایت باعث درونی شدن عمل اخلاقی بشود. قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرم او را از دید حیوانی ننگردند (احمدی، ۱۳۸۰). در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر میکنند که: ذلک ادنی ان یعرفن فال یوذین، یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند. اگر زنان جامعه باحجاب باشند، علاوه بر اینکه سعادت و سلامت روانی جسم و روح زن حفظ می‌شود، از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. در جامعه نیز، محیط آرام و امنی فراهم می‌شود و مردان از نظر طهارت روح و جسم در کمال سلامت رفتاری خواهند بود و بزهکاری‌های اجتماعی به حداقل خواهد رسید و همچنین سلامت خانوادگی حفظ خواهد شد چراکه محیط خانواده تحت تأثیر خودنمایی‌های عده‌های از زنان بدحجاب و بیحجاب قرار نمی‌گیرد. اسلام می‌خواهد این دو محیط (خانه و اجتماع) را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند و التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد، زنان در چارچوب آزادیهای صحیح و مقبول، از حق آزادی خود بهره مند گردند در چهارچوب حفظ پوشش اسلامی، به کار و تلاش بپردازند، بی آنکه حجاب اسلامی برای تلاش‌های آنان، مشکلی ایجاد کند، و حق آزادی صحیح آنها را تضییع نماید. لذا فلسفه پوشش از نظر اسلام چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی و بعضی جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام وزن و جلوگیری از ابتذال او (مطهری، ۱۳۷۱).

مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی فرزندان دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا روح آنان در این زمان انعطاف زیادی دارد و هر چه انسان بزرگ‌تر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود و با توجه به اینکه کودک در این دوران حساسیت‌ها و لطافت‌های ویژه‌ای دارد، باید از بهترین شیوه‌ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر به دست آید. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزه حفظ حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را برای انجام اعمال نیک برمی‌انگیزد. یکی دیگر از شیوه‌ها

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

روش الگویی است. در این روش فرد، از دیگران سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنها پیروی نموده، خود را با آنها همساز می‌کند. بصیرت بخشی یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی متربی عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت مربی می‌تواند نظریات تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک ببیند. داشتن بینش و آگاهی در انجام کاری، دوام و قوام آن کار را بیشتر خواهد کرد. بنابراین، روش بصیرت بخشی، روش مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان است. با قصه‌گویی نیز می‌توانیم در روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب، کودکان را با شخصیت‌های امامان و معصومان آشنا کند (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

۳- بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله تحت عنوان روش های نهادینه سازی عفاف در کودکان انجام شد. پس از بررسی های انجام شده در یافتیم که مناسب ترین زمان برای درونی کردن ارزش های اسلامی و تربیت دینی فرزندان دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا روح آنان در این زمان انعطاف زیادی دارد و هر چه انسان بزرگتر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود و با توجه به اینکه کودک در این دوران حساسیت ها و لطافت‌های ویژه‌ای دارد، باید از بهترین شیوه‌ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر به دست آید. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزه حفظ حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را برای انجام اعمال نیک برمی‌انگیزد. یکی دیگر از شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از دیگران سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنها پیروی نموده، خود را با آنها همساز می‌کند. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه از حجاب، تنها پوست های و ظاهری بی معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعابیری همچون؛ من قلب پاک دارم، خدا با قلب ها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و... خود را سرگرم کرده است.

منابع

- احمدی، احمد (۱۳۸۰). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. انتشارات واحد.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۵). آیین تربیت، چاپ پانزدهم.
- بهشتی، محمد (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، جلد ۲. تهران: انتشارات سمت.
- پیاز، ژان و سیمون، پیر هانری (۱۳۹۶). روان‌شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، ترجمه عنایت‌الله شکیباپور. تهران: دلشاد ته‌رانی، مصطفی (۱۳۹۳). سیری در تربیت اسلامی. دریا.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۶). تعلیم و تربیت اسلامی. موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ظاهرپور، شریف (۱۳۸۹). راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه، ماهنامه مهندسی فرهنگی شماره ۴۵ و ۴۲.
- عطاران، محمد (۱۳۷۹). آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- علاء‌الدین، سید محمدرضا (۱۳۸۹). شیوه های مؤثر برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان از منظر قرآن و روایات، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۳۲، ص ۱۲۳.
- فرهادیان، فاطمه (۱۳۹۰). عفاف و حجاب در سیره ی حضرت زهرا (س)، ماهنامه پیام زن، شماره ۲۲۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). مساله حجاب. قم: صدرا.